

A Comparative Study of the Distribution and Property law of the Oil and Gas Resources in United States, Based on the Theory of Distribution before the Production of Islamic Economics

Seyyed Hosein Hoseini

Doctoral student of economic sciences of Imam Sadeq University.

Email: sho.hosseini@isu.ac.ir

Mojtaba Hasani

Doctoral student of monetary economics of Allameh Tabatabaei University.

Email: mojtaba.hgs@gmail.com



Use your device to scan and read the article online

Citation Seyyed Hosein Hoseini, Mojtaba Hasani. [A Comparative Study of the Distribution and Property law of the Oil and Gas Resources in United States, Based on the Theory of Distribution before the Production of Islamic Economics (Persian)]. [EGHTESAD-E ISLAMI \(A Quarterly Journal on Islamic Economics\)](#). 2024; 24 (94): 203-235

 [10.22034/iec.2024.2023896.2723](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2023896.2723)

Received: 28 February 2024 , Accepted: 15 September 2024

Abstract

Land and mineral wealth are the part of capitals of each country that the type of distribution and property law of them plays an important role in the economic relations. Specially, oil and gas resources have particular importance. The United States is a country that has a distribution mechanism that is Special for the capitalist economy, and its oil and gas rights are, as some admittedly, one of the most advanced branches of law. On the other hand, the theory of distribution before the production of the Islamic economy has devoted to various aspects of the ownership of natural resources. In order to clarify the property law of the oil and gas resources and to better understand their distribution system, the distribution mechanism and property law of oil and gas resources in U.S evaluated based on the theory of distribution before the production of the Islamic economy by using an adaptive method. Finally it was criticized in the "private property", "citizenship ownership of resources from land ownership", "capitalist production" and "loss of the opportunity for popular productivity" Based on the above theory.

Keywords

property, property law, oil and gas resources, united states, distribution before production, Islamic economics.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی تطبیقی توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا و نظریه توزیع پیش از تولید اقتصاد اسلامی (دیدگاه شهید صدر)

سیدحسین حسینی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع).

sho.hosseini@isu.ac.ir

مجتبی حسینی

دانشجوی دکتری اقتصاد پولی دانشگاه علامه طباطبائی (ره).

mojtaba.hgs@gmail.com



Citation Seyyed Hosein Hoseini, Mojtaba Hasani. [A Comparative Study of the Distribution and Property law of the Oil and Gas Resources in United States, Based on the Theory of Distribution before the Production of Islamic Economics (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMII (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2024; 24 (94): 203-235

[doi: 10.22034/iec.2024.2023896.2723](https://doi.org/10.22034/iec.2024.2023896.2723)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

چکیده

ثروت‌های معدنی از سرمایه‌های هر کشوری محسوب می‌گردند که نوع توزیع و بهره‌برداری از نقشی مهم در روابط اقتصادی حاکم بر جامعه ایفا می‌کند. در این بین منابع نفت و گاز اهمیت ویژه‌ای داشته، نظام‌های حقوقی متفاوتی نیز بر توزیع آنها حاکم است. آمریکا کشوری است که از سازوکار توزیع مختص به اقتصاد سرمایه‌داری برخوردار و حقوق نفت و گاز در آن، به اعتراف برخی، یکی از شاخه‌های پیشرفته حقوقی است. از طرفی نظریه توزیع پیش از تولید اقتصاد اسلامی به ابعاد اساسی و مختلفی از توزیع منابع طبیعی پرداخته و از این طریق توانسته است مسیر تحقق عدالت در برخورداری از منابع و پیشرفت اقتصادی را مشخص کند. در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش تطبیقی، توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در کشور آمریکا، مبتنی بر نظریه توزیع پیش از تولید اقتصاد اسلامی، مطابق دیدگاه شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر ارزیابی گردیده است. هدف از این پژوهش مشخص‌تر شدن ابعاد توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در اقتصاد اسلامی و تعیین حدود و ثغور آن با نظریات رقیب بوده است. نتایج به‌دست‌آمده گویای آن است که در چهار مؤلفه «مالکیت خصوصی»، «تابعیت مالکیت منابع از مالکیت زمین»، «تولید سرمایه‌دارانه» و «ازبین رفتن فرصت بهره‌وری مردمی»، انتقادهای اساسی بر توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا وارد است.

واژگان کلیدی

منابع نفت و گاز، ایالات متحده آمریکا، نظریه توزیع پیش از تولید، شهید صدر.



مقدمه

ثروت‌های معدنی از سرمایه‌های هر کشوری محسوب می‌گردند که نوع توزیع و بهره‌برداری از آنها نقشی مهم در روابط اقتصادی حاکم بر جامعه بازی می‌کند. این ثروت‌ها نقشی مهم در حیات تولیدی و اقتصادی انسان ایفا می‌کنند؛ زیرا درحقیقت همه بهره‌مندی‌های انسان از قبیل کالاها و نعمت‌های مادی، درنهایت به خود زمین و مواد و ثروت‌های معدنی آن باز می‌گردد (صدر، ۱۳۹۳ «ج»، ص ۱۵۱). در این بین منابع نفت و گاز به علت نقش عمده‌ای که در تأمین انرژی کشورها دارند، از اهمیت وافری برخوردارند. این منابع تأثیر زیادی، از یک جهت بر نوع مناسبات بین ملت‌ها و از جهت دیگر بر سازوکار اقتصادی حاکم بر جوامع گذاشته‌اند. اهمیت و تأثیرگذاری این منابع متأثر از نوع توزیع این منابع و بالتبع بهره‌برداری از آنهاست.

نظام‌های حقوقی متفاوتی بر مالکیت و توزیع منابع نفت و گاز حاکم است که مالکیت خصوصی (Private Property)، نظام حقوقی حاکمیتی (Domanial Law System)، نظام تخصیصی (Regalian System) و مالکیت عمومی (Public Ownership) (امانی و اسماعیلی، ۱۳۹۱، ص ۲۲) از جمله آنهاست. بسته به اینکه نوع مالکیت منابع مذکور در کدام دسته قرار بگیرد، نوع بهره‌وری از منابع، تخصیص منافع حاصله و شکل‌گیری طبقات اقتصادی و اجتماعی جامعه متفاوت خواهد بود؛ به عبارت دیگر نوع حقوق مالکیت و توزیع منابع طبیعی از جمله نفت و گاز پایه شکل‌گیری بسیاری از سازوکارها و روابط اقتصادی و اجتماعی در جامعه خواهد بود.

استخراج و بهره‌وری از منابع نفت و گاز از گذشته‌های بسیار دور انجام می‌شده است؛ اما در بهره‌وری به شکل امروزی آن می‌توان گفت کشور آمریکا یکی از طلایه‌داران این امر بوده است؛ به طوری که «نخستین چاه نفت در این کشور در سال ۱۸۵۹ حفاری گردید» (Lowe, ۲۰۰۳, p. v). به دلیل پیشینه‌ای که کشور آمریکا در این امر داشته و به دلیل متکی بودن بخش

زیادتی از اقتصاد این کشور به این منابع، به اعتراف برخی، حقوق نفت و گاز در این کشور یکی از شاخه‌های پیچیده و پیشرفته حقوقی محسوب شده و حجم عظیمی از مباحث حقوقی را به خود اختصاص داده است (اصغریان، ۱۳۹۱، ص ۱۷). از طرف دیگر کشور آمریکا به عنوان نماینده تفکر اقتصاد سرمایه‌داری، مباحث مبنایی متعلق به این تفکر را در حوزه توزیع پیش از تولید منابع طبیعی دارا بوده، از سازوکار توزیع مختص به خود بهره‌مند است.

از طرفی با مطالعه در نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر ملاحظه می‌شود که این نظریه به ابعاد اساسی و مختلفی از مالکیت بر منابع طبیعی از جمله معادن نفت و گاز پرداخته و از این طریق توانسته است مسیر تحقق عدالت در برخورداری از منابع خدادادی و رشد و پیشرفت اقتصادی را مشخص کند.

با این وصف جهت مشخص‌تر شدن ابعاد حقوق مالکیت و توزیع بهره‌برداری از منابع نفت و گاز و فهم بهتر نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر و ارزیابی شیوه توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا، به عنوان نماینده تفکر اقتصاد سرمایه‌داری، پژوهش پیش رو به دنبال آن است که ابعاد نظری توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا را با نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر مقایسه کرده، گامی در جهت تبیین این نظریه بردارد.

از این رو سؤال اصلی پژوهش پیش رو این است که «توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا مبتنی بر نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر، چگونه ارزیابی می‌شود؟». از آنجا که بین نظرات فقها و اقتصاددانان اسلامی تفاوت‌هایی در خصوص نظریه توزیع پیش از تولید یافت می‌شود، به جهت حفظ وحدت رویه، در این پژوهش نظریه توزیع شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر به عنوان نظریه مختار مد نظر قرار گرفته است.

روش پژوهش

برای پاسخ به پرسش فوق از روش تطبیقی بهره برده شده است. روش جمع‌آوری مطالب نیز سندکاوی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای بوده است. «بررسی تطبیقی عبارت است از نوعی مطالعه و بررسی که با استفاده از ابزار و روش خاص خود، با ارائه مفاهیم و مقیاس‌هایی که برگرفته از چشم‌اندازی فراخ‌تر است، توانایی ما برای تشریح و درک فرایندهای کاری و علمی را افزایش دهد و به صورت مشابه بتوان با بررسی و تجزیه و تحلیل تطبیقی علوم مختلف از آن در عمل استفاده کرد» (نجات‌بخش و باقری، ۱۳۸۸، ص ۲).

«یکی از روش‌های مورد استفاده در مطالعات تطبیقی روشی است که بردی (Brady) پیشنهاد کرده و شامل چهار مرحله است:

الف) مرحله توصیف: در این مرحله پژوهنده باید به توصیف نموده‌ها و پدیده‌های مورد تحقیق بر اساس شواهد و اطلاعاتی که از منابع مختلف به دست آورده، پردازد.

ب) مرحله تفسیر: این مرحله شامل واری اطلاعاتی است که در مرحله اول، پژوهشگر به توصیف آن پرداخته است.

ج) مرحله همجواری: طی این مرحله اطلاعاتی که از صافی اولیه گذشته است، طبقه‌بندی شده و کنار هم قرار می‌گیرند و چارچوبی فراهم می‌شود که راه را برای مرحله بعدی، فراهم می‌کند.

د) مرحله مقایسه: در این مرحله مسئله تحقیق، دقیقاً با توجه به جزئیات در زمینه تشابهات و تفاوت‌ها مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد» (شمشیری و فریدونی، ۱۳۹۳، ص ۵).

پیشینه تحقیق

الف) پیشینه داخلی

اصغریان (۱۳۹۱) در کتاب حقوق نفت و گاز در ایالات متحده آمریکا

تلاش کرده است در جهت استفاده از برخی مباحث حقوق نفت و گاز آمریکا در ایران، جوانب مختلف حقوق نفت و گاز در آمریکا را واکاوی کند. در همین راستا در بخش اول کتاب به معرفی حقوق نفت و گاز در این کشور و بررسی برخی اصول و مفاهیم آن پرداخته و در بخش دوم جنبه‌های مهم قراردادهای اجاره نفت و گاز را بررسی کرده است.

امانی و اسماعیلی (۱۳۹۱) در مقاله «مطالعه تطبیقی مالکیت نفت و گاز در نظام‌های ملی و حقوق بین‌الملل»، نظام‌های حقوقی مالکیت نفت و سیر تطور تاریخی آنها در کشورهای مختلف از جمله آمریکا را بررسی کرده و به دنبال پاسخ به این سؤال بوده‌اند که در قالب نظام‌های حقوقی مختلف، مخازن نفتی در مالکیت عمومی است یا می‌تواند در مالکیت خصوصی هم باشد و در پایان چنین نتیجه می‌گیرند که امروزه مالکیت بر منابع طبیعی کشورها توسط سرمایه‌گذاران خارجی رؤیایی بر باد رفته است و دولت‌ها به نمایندگی از ملت‌ها تنها مالکان منابع نفتی به شمار می‌روند.

مداحی‌نسب و مسلمی (۱۳۹۴) در پژوهش «بررسی تطبیقی حیات و احیای اراضی موات با قاعده تصرف در نظام حقوقی عرفی ایالات متحده آمریکا» ضمن بررسی قاعده تصرف در نظام حقوقی کامن‌لا و حیات در نظام حقوقی ایران، چنین نتیجه گرفته‌اند که این دو قاعده هرچند با هم شباهت‌های کلی دارند، دقیقاً بر هم منطبق نبوده و تفاوت‌های شایان توجهی دارند.

طاهری و جمعه‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله «نظام حقوقی حاکم بر مالکیت منابع نفتی ایران و ایالات متحده آمریکا»، بعد از بررسی دو نظام حقوقی آمریکا و ایران در باب مالکیت منابع نفتی، به دنبال تبیین تأثیر تفاوت رژیم مذکور بر فعالیت‌های نفتی چنین نتیجه گرفته‌اند که دیدگاه حقوق موضوعه ایران با نظریات فقها تا حدودی متفاوت است؛ همچنین نظام حقوقی آمریکا مالکیت خصوصی را به طور مطلق پذیرفته و بدین منظور

نهادهای حقوقی را شکل داده و قوانینی را تصویب نموده است. پژوهش حاضر کوشیده است با بررسی تطبیقی توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا، در مقایسه با نظریه توزیع پیش از تولید اقتصاد اسلامی (مطابق دیدگاه شهید صدر)، به صورت ایجابی (آنچه هست) و سلبی (آنچه نیست) گامی در جهت تبیین نظریه مذکور و روشن‌ترکردن حدود و ثغور آن با نظریات رقیب بردارد.

در ادامه ابتدا سازوکار حاکم بر توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در کشور آمریکا تبیین و سپس نظریه توزیع پیش از تولید منابع نفت و گاز در اقتصاد اسلامی، مبتنی بر دیدگاه شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر بیان می‌شود. در پایان مؤلفه‌های حاکم بر توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در کشور آمریکا مبتنی بر نظریه توزیع پیش از تولید بررسی و ارزیابی می‌شود.

ب) پیشینه خارجی

John s. Lowe (2003) در کتاب *Oil and Gas Law in a Nutshell* کوشیده است در چهار بخش به طبیعت و بن‌مایه، حفاظت از و انتقال حقوق نفت و گاز، لیزینگ نفت و گاز و موضوعات مرتبط با مالیات و تجارت در حوزه نفت و گاز پردازد.

Kramer & Anderson (2005) در مقاله «The Rule of Capture – an Oil and Gas Perspective» به تعریف و توضیح قاعده تصرف و ماهیت آن، تاریخچه توسعه این قاعده از زمان کشف نفت و گاز تا عصر حاضر، تحلیل تأثیرات آن بر صنعت نفت و گاز، محدودیت‌های آن و همچنین به بررسی تغییراتی که در این قاعده در طول زمان رخ داده است، پرداخته‌اند. آنها این قاعده را همچنان یک اصل مهم در قانون نفت و گاز دانسته، توصیه می‌کنند قاعده تصرف باید با توجه به تغییرات در صنعت نفت و گاز و قوانین مرتبط، تطبیق داده شود.

Pierce (2015) در مقاله‌ای تحت عنوان «Developing a Correlative Rights Doctrine to Accommodate Development of Oil and Gas in Arkansas» استدلال می‌کند که با توجه به ماهیت مشترک مخازن نفت و گاز در ایالت آرکانزاس و تأثیر عملیات توسعه در یک قطعه زمین بر حقوق سایر مالکان، توسعه یک دکترین حقوق مرتبط ضروری است. این دکترین می‌تواند اصول حاکم بر استفاده از منابع مشترک را تعیین کند و از حقوق همه مالکان محافظت نماید.

توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا

بر خلاف نظام توزیع منابع سایر کشورها، مالکیت و توزیع منابع نفتی و بالتبع بهره‌برداری از آنها در آمریکا وضعیت متفاوتی با سایر نقاط دنیا دارد؛ به گونه‌ای که در این کشور، رژیم حقوقی سنتی حاکم بر اموال را نسبت به منابع نفتی حاکم دانسته و مالکیت خصوصی را در آن پذیرفته‌اند (خادم‌رضوی و راستگو خیاوی، ۱۳۹۹، ص ۱۳-۱۴) و اکثر منابع نفت و گاز در مالکیت خصوصی اشخاص قرار دارند، اگرچه دولت فدرال و ایالات نیز بدون سهم نیستند (اصغریان، ۱۳۹۱، ص ۱۸)، لکن در تبیین حدود و قصور آن اختلاف‌هایی وجود دارد که منجر به ظهور مکاتب مختلفی در این زمینه شده است (امانی و اسماعیلی، ۱۳۹۱، ص ۲).

۱. نظریات مالکیت منابع نفت و گاز در آمریکا

در مورد مالکیت و توزیع منابع نفت و گاز در آمریکا دو نظریه وجود دارد:

۱-۱. نظریه مالکیت در محل (Ownership in Place)

هنگامی که نفت و گاز برای اولین بار در ایالت آرکانزاس و سایر نقاط آمریکا کشف شد، قبلاً به طور قطعی تثبیت شده بود که مالک زمین مالک همه چیز زیر زمین است، از جمله مواد معدنی. دادگاه‌ها حکم دادند که مرزهای سطحی، حقوق مربوط به مواد معدنی مایع و گازی مانند

نفت و گاز را تعریف می‌کنند، با وجود اینکه مواد معدنی مایع ظرفیت حرکت در یک ساختار سنگی بدون توجه به خطوط املاک را دارند (Pierce, 2015, p.408). به عبارت بهتر طبق این نظریه که بر مبنای اصل «مالکیت مطلق» قرار دارد، تنها این مالک/ مالکان زمین هستند که نسبت به ذخایر واقع در زیرزمین مالکیت دارند. این نظریه در ایالات تگزاس، پنسیلوانیا و آرکانزاس مورد استفاده قرار می‌گیرد (Blinn, 1986, p.23).

۲-۱. نظریه عدم مالکیت

بر اساس این نظریه که در ایالات اوکلاهاما، کالیفرنیا، ایندیانا و لوئیزیانا مورد متابعت قرار می‌گیرد (همان) و آن را می‌توان به نوعی حالت تعدیل شده نظریه اول دانست، کسی که اقدام به استخراج نفت می‌کند، مالکیت نفت و گاز استخراجی را تحصیل می‌کند، حتی در صورتی که این نفت و گاز متعلق به حوزه نفتی باشد که در زیر ملک همسایه واقع شده باشد. در چنین شرایطی، قاعده سنتی استخراج پیش‌بینی می‌نمود مالک زمینی که همسایه وی در حال استخراج منابع نفت و گاز او به علت اشتراک مخزن بین دو زمین می‌باشد، تنها با یک راه حل مواجه است: شخصاً اقدام به حفر چاه در زمین خود نماید و تا آنجا که امکان‌پذیر است، میزان نفت و گاز استخراجی از زمین خود را افزایش دهد (شافع، ۱۳۸۸، ص ۴-۳). نتیجه این نظریه آن بود که انگیزه قانونی برای توسعه بیش از حد یک مخزن مشترک و در نتیجه هدر دادن نفت و گاز زیرین را ایجاد کرد (Pierce, 2015, p.409).

جهت تبیین بهتر دو نظریه فوق ابتدا اصل «مالکیت مطلق» که نظریه «مالکیت در محل» مبتنی بر آن است و سپس قواعد و قوانینی که موجب تعدیل اصل مذکور شده‌اند و به تعبیری موجب پیدایش نظریه «عدم مالکیت» شده‌اند، توضیح داده می‌شود.

۲-۲. اصل مالکیت مطلق

طبق این اصل، منابع نفتی تحت نظام حقوق اموال قرار گرفته،

تابع مالکیت زمینی است که نفت در آن کشف شده است. به موجب قاعده‌ای که در حقوق «کامن‌لا» (Common law) به طور سنتی وجود داشته است، مالک زمین مالک عمودی آن از آسمان هفتم تا قعر زمین بوده (دکترین از آسمان تا زمین=The ad coelum doctrine) و بنابراین مالک زمین مالک معادن مدفون در لایه‌های زیر آن زمین هم خواهد بود (Lowe, 2003, pp.8-9). حال اگر شخصی اعم از خصوصی یا دولتی مالک زمینی باشد، مالک معادن مدفون در آن نیز خواهد بود.

در توجیه مبنای نظریه مالکیت مطلق گفته‌اند که نفت و گاز در ملکیت انحصاری کسانی است که مالک زمین‌های فوقانی مخزن هستند، زیرا نفت نمی‌تواند از این محدوده خارج شود؛ بنابراین این مالکان تصرف و مالکیت آن را در اختیار دارند؛ اما این مالکیت، بین مالکان زمین‌های فوقانی در فرض تعدد مالکان، یک مالکیت جمعی است؛ چون نفت یک ماده سیال است و به واسطه برداشت از یک طرف مخزن و اختلاف فشار حاصله به آن طرف مهاجرت می‌کند (امانی و اسماعیلی، ۱۳۹۱، ص ۴). در حال حاضر این اصل بر برخی از مواد معدنی مانند زغال‌سنگ، طلا، نقره و اورانیوم اعمال می‌گردد؛ اما ممکن است بر نفت اعمال نشود و علت آن هم ماهیت این مواد است؛ چراکه نفت و گاز قابلیت آن را دارند که از نقطه‌ای به نقطه دیگر جابه‌جا شوند (اصغریان، ۱۳۹۱، ص ۳۱).

۳. مشکلات اعمال اصل مالکیت مطلق

با اعمال قاعده مالکیت مطلق، در مالکیت منابع نفت و گاز مشکلاتی

پیش آمد:

۱- ۳. مشکل اول

مشکل اول اینکه «یک مخزن نفت و گاز ممکن است آن قدر گسترده باشد که زمین‌های متعددی را تحت پوشش قرار دهد؛ به عبارت دیگر چند زمین مختلف با مالکین متعدد ممکن است دارای یک مخزن نفت و گاز مشترک

باشد. طبیعتاً هر مالکی که اقدام به برداشت منابع از این مخزن نماید، نه تنها منابع تحت زمین خود بلکه منابعی که تحت زمین دیگران قرار داشته را نیز برداشت می‌نماید؛ چون منابع نفت و گاز قابلیت جابه‌جایی داشته و ممکن است به سمت زمین شخص دیگری حرکت نمایند. از طرف دیگر دشوار است که بتوان مشخص نمود نفت و گاز استخراج شده مربوط به کدام زمین بوده‌اند» (طاهری و جمعه‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۷).

۲-۳. قاعده تصرف (Rule of Capture)

برای حل این مشکل، در حقوق ایالات متحده مفهومی به نام قاعده «تصرف» شکل گرفته است (Pierce, 2015, p.408) که دکتین مالکیت «از آسمان تا اعماق زمین» را تعدیل کرده و به هر دو نظریه مالکیت نفت و گاز ارتباط پیدا می‌کند. این قاعده در نظام حقوقی کامن‌لا، از جمله معروف «تصرف نخست ریشه حق است» الهام گرفته و با بسط و توسعه رویه قضایی در این مورد، به وجود آمده است (مداحی نسب و مسلمی، ۱۳۹۴، ص ۴-۷). از نظر تاریخی این قانون به صاحب یا تولیدکننده یک چاه اجازه می‌داد بدون توجه به محدوده مالکیت خود، به اندازه‌ای که می‌توانست، از زمین استخراج کند (Tomain, 1984, p.5).

قاعده تصرف، به یک معنا به این اشاره دارد که یک شخص حق دارد هرچه قدر از منابع طبیعی عمومی را که می‌تواند تصاحب کند و به مالکیت انحصاری خود تقلیل دهد و حتی این قاعده را می‌توان به عنوان یک قاعده کلی مد نظر برای در اختیار داشتن منابع طبیعی عمومی در نظر گرفت که طبق آن اولین کاربر مالک آن چیزی است که استفاده کرده یا گرفته است یا حتی مالک کل موجودی منبع (Johnston, 2005, p.856).

«هرکسی که نفت را استخراج کند و آن را در اختیار گیرد، نسبت به آن مالکیت پیدا می‌کند. حتی اگر نفت بعضاً از املاک مجاور به سمت ملک وی منتقل شده باشد. بنابراین اگر استخراج‌کننده در استخراجش متعارف عمل

کند، صاحب نفت استحصال می‌شود و مالک مجاور حتی اگر ثابت کند که نفت استخراج شده سابق بر استخراج زیرزمین او بوده است؛ مسئولیتی برای استخراج‌کننده ایجاد نمی‌کند (مداحی نسب و مسلمی، ۱۳۹۴، ص ۵)؛ مگر اینکه او مانع برداشت سایر مالکان شود (امانی و اسماعیلی، ۱۳۹۱، ص ۳).

این رویکرد چنین نظری را القا می‌کند که منابع نفت و گاز تا زمانی که استخراج نشده‌اند، در ملکیت کسی نیستند و هر کدام از مالکان زمین‌های مجاور می‌توانند به موجب قاعده تصرف، نفت و گاز درجا (Oil in Place) را به نحوی که به حقوق دیگر مالکان برای بهره‌برداری ضربه نزند، استخراج کنند و بعد از استخراج به تملک خود درآورند (مداحی نسب و مسلمی، ۱۳۹۴، ص ۵). در این حالت مالکیت به محض برداشت ایجاد می‌شود و هر مالکی هر آنچه را برداشت نمود، مالک است (طاهری و جمعه‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۶). به همین دلیل قاعده تصرف را می‌توان تعبیر دیگری از نظریه «عدم مالکیت» دانست.

قاعده تصرف یا حیازت می‌تواند به دو نظریه در خصوص مالکیت نفت منجر گردد. در نظریه اول مالک زمین مالک نفت درجایی نیست که از زمین وی قابل استحصال است، بلکه صرفاً حق انحصاری دارد که آن نفت را از طریق حیازت تملک کند. طبق این نظریه تملک پس از حیازت حاصل می‌شود و تا زمانی که حیازت انجام نشده، مالکیت بر نفت وجود ندارد، ولی حق انحصاری برای حیازت وجود دارد. در نظریه دوم قاعده حیازت باعث نفی مالکیت درجا نمی‌شود و مالک زمین مالک نفت در مخزن زیر ملک خود نیز هست؛ ولی اگر این نفت حرکت کرده و به مالک مجاور منتقل شود، مالکیت وی نسبت به نفت منتقل شده زایل می‌گردد (شیروی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴).

۳-۳. مشکل دوم

مشکل دوم زمانی رخ داد که شرکت حفاری تکسون (Texon Drilling) در زمین خود مشغول بهره‌برداری از چاه‌های نفتی خود بود که در این حین، نفت متعلق به زمین الیف (Elliff) را برداشت می‌نمود. با غفلتی که از سوی شرکت تکسون در بهره‌برداری یکی از چاه‌ها سر زد، آن چاه فوران نمود و آتش گرفت. آتش گرفتن نفت و گاز طبیعی سبب گردید تا میزان زیادی از نفت و گاز واقع در تحت زمین الیف تخلیه و نابود گردد. الیف به خاطر این اقدام از شرکت تکسون شکایت کرد، ولی شرکت تکسون در دفاع از خود قاعده تصرف را بیان کرد؛ اما دادگاه تگزاس این دفاع شرکت تکسون را به دلیل قاعده «حقوق وابسته» نپذیرفت (Lowe, 2003, p.14).

۳-۴. قاعده حقوق وابسته (Correlative Rights)

قاعده «حقوق وابسته» که برای حل مشکل فوق مطرح گردید، بر مبنای حفظ منافع عمومی و رفتار منصفانه استوار است. «این قاعده مقرر می‌کند که هیچ کس حق ندارد در ملک خود نفت و گاز منتقل شده از ملک مجاور را ضایع نماید و چنانچه این کار را انجام دهد، مسئول خواهد بود. همچنین مالکان نباید اعمالی انجام دهند که مخزن آسیب دیده و تولید دیگر مالکان تحت تأثیر قرار گیرد. از آنجا که چنین اعمالی در جهت منافع عمومی نیست، مورد تأیید نبوده، مالکیت را محدود می‌نماید. از جهت اثباتی نیز این قاعده مقرر می‌دارد که در میادین مشترک بین دو یا چند مالک، هر مالک فرصت منصفانه‌ای برای استحصال نفت و گاز خواهد داشت و میزان برداشت وی باید متناسب با میزان زمینی باشد که از کل زمین مخزن در تملک دارد» (شیروی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۴-۱۵۵).

این قاعده، هر مالک و تولیدکننده در یک منبع مشترک تأمین نفت و گاز را از فرصت مساوی برای به‌دست آوردن و تولید سهم عادلانه خود از آن منبع برخوردار می‌کند (strong, 1967, p.10).

۴. قوانین موضوعه راجع به صیانت از منابع نفت و گاز

تعدیلات مذکور نتوانست کلیه مشکلات مربوط به بهره‌برداری از میادین مشترک را حل و فصل نماید. «به عنوان مثال اگر کسی در ملک خود و در مجاورت ملک غیر، چاه افقی بزند و نفت و گاز ملک مجاور را استحصال کند، یا اگر کسی بیش از حد در زمین خود چاه حفر نماید یا نحوه برداشت وی بدون رعایت اقتضاهای برداشت صیانتی باشد، در این موارد قاعده حیازت توان جواب‌گویی به این مسائل را نداشت» (شیروی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵). از طرفی «قاعده تصرف بر این اساس استوار است که هر کس هر قدر که بتواند از منابع برداشت کند، مالک آن خواهد شد؛ بنابراین منجر به برداشت بی‌رویه و بیش از حد از منابع خواهد شد» (مداحی‌نسب و مسلمی، ۱۳۹۴، ص ۳).

برای رفع مشکلات جدید، قانون‌گذاری‌های ایالتی دخالت نموده، با وضع قوانین ایالتی تحت عنوان «قوانین موضوعه راجع به صیانت از منابع نفت و گاز» (Oil and Gas Conservation Statutes)، محدودیت‌های برای برداشت از منابع نفت و گاز اعمال کردند. این قوانین مواردی به شرح زیر مقرر کرده‌اند:

الف) فاصله بین چاه‌ها (Well Spacing): برای جلوگیری از حفر چاه‌های نزدیک به هم و به‌خصوص تمرکز این چاه‌ها در مرز املاک مجاور، قوانین مزبور مقرر می‌دارند که اولاً هر مالکی تا چه فاصله‌ای از مرزهای املاک مجاور می‌تواند چاه حفر نماید؛ ثانیاً هر چاه نسبت به چاه دیگر چقدر باید فاصله داشته باشد (شیروی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵).

ب) مقدار مجاز تولید: میزان آب همراه، یا نسبت گاز و نفت چنانچه از مقادیر مشخصی فراتر رود، تولید باید به‌طور متناسب کاهش پیدا کند تا نسبت‌های مجاز رعایت گردد. مقدار تولید مجاز ممکن است روزانه، هفتگی، ماهیانه یا سالیانه تعیین گردد (همان، ص ۱۵۶).

پ) یکپارچگی (Unitization) در عملیات توسعه و بهره‌برداری: با گذشت زمان، تحقیقات علمی و مطالعات بر چاه‌های گوناگون نشان داد حفر چاه‌های متعدد و استخراج بیش از حد باعث کوتاه‌تر شدن عمر چاه می‌گردد، در حالی که رعایت فاصله در حفر چاه و بهره‌برداری مناسب از چاه می‌تواند بر عمر چاه افزوده، به استخراج نفت بیشتری منتهی گردد. به تدریج مالکان چاه‌های مجاور به این نتیجه رسیدند که با توافقات متقابل و همکاری مشترک، نحوه استخراج نفت از زمین‌های خود را هماهنگ کنند و اندک‌اندک قانون‌گذاران گوناگون ایالتی نیز قوانینی را جهت نحوه استخراج نفت به تصویب رساندند (شافع، ۱۳۸۸، ص ۶).

ت) نفت و گاز تزریق‌شده: یکی از استثنائات قاعده تصرف مربوط به نفت و گاز طبیعی می‌گردد که قبلاً استخراج شده است. در صورت تزریق گاز طبیعی به این مخازن جهت نگهداری، گاز ذخیره‌شده در مخزن تابع قاعده تصرف قرار نمی‌گیرد؛ بلکه این گاز ملک شخصی می‌باشد که بار اول آن را استخراج یا تصرف نموده و تا زمانی که خود از مالکیت آن صرف‌نظر نکند، کماکان در ملکیت وی باقی خواهد ماند و به استناد قاعده تصرف نمی‌توان در آن تصرف نمود (طاهری و جمعه‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۷).

ث) تصرف در ملک دیگری: در صورت برداشت نفت و گاز مربوط به ملک شخص دیگر، قاعده تصرف موجب معافیت کامل از مسئولیت نمی‌گردد؛ مثلاً ممکن است شخصی با حفاری شیب‌دار به ملک دیگری تجاوز نموده و نفت و گاز متعلق به زمین وی را به طور غیرقانونی برداشت نماید (همان، ص ۷-۸).

۵. مؤلفه‌های توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا

با توجه به توضیحاتی که گذشت، می‌توان ناظر به مالکیت و توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا چهار مؤلفه زیر را مطرح کرد. توضیحات تفصیلی درباره هر یک و نقد و بررسی آنها، در قسمت ارزیابی

انتهای مقاله مطرح شده است.

(الف) مالکیت خصوصی: مالکیت خصوصی بر اصل و رقبه معادن نفت و گاز به عنوان یک اصل پذیرفته شده است.

(ب) تابعیت مالکیت معادن نفت و گاز از زمین: در سازوکار مذکور، تابعیت مالکیت منابع نفت و گاز از مالکیت زمین محاذی آنها پذیرفته شده است.

(ج) تولید سرمایه‌دارانه: در بهره‌برداری از منابع، مالک یا شرکت نفتی و گازی، دست به تولید سرمایه‌دارانه و مبتنی بر سود بیشتر، در قلمرو منابع نفت و گاز می‌زند.

(د) از بین رفتن فرصت بهره‌وری مردمی: نحوه توزیع و حقوق مالکیت منابع، حق و فرصت اکثریت مردم در بهره‌برداری از آنها را از بین برده و آن را در دست عده‌ای محدود محصور کرده است.

نظریه توزیع پیش از تولید در دیدگاه شهید صدر

در نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر، توزیع منابع طبیعی در دو گستره انجام می‌پذیرد: گستره اول مربوط به زمانی است که هنوز هیچ عنصر انسانی در منابع طبیعی دخالت نکرده و هنوز هیچ ارتباط و حقی در منابع طبیعی برای هیچ انسانی پدید نیامده است. گستره دوم مربوط به زمانی است که عنصر انسانی در منابع طبیعی دخالت کرده و به استفاده از آنها می‌پردازد. سازوکار ایجاد و نوع حقوق پدیدآمده در این دو حالت تفاوت دارد. در حالت اول، توزیع بر اساس «اصل خلافت و مسئولیت» صورت‌بندی می‌شود و در حالت دوم، «کار اقتصادی» است که عامل ایجاد حق است. در ادامه توضیحات مربوط به هر اصل و شقوق هر کدام آمده است:

۱. اصل خلافت و مسئولیت

از نظر اسلام، مالکیت حقیقی فقط از آن خداوند است و سایر مالکیت‌ها اعتباری است؛ بنابراین هر مالکیتی اعم از خصوصی یا عمومی که انسان‌ها

بر منابع طبیعی پیدا می‌کنند، نیابتی بوده و وظیفه و مسئولیتی به همراه دارد و به عنوان یک حق مطلق محسوب نمی‌شود که مبتنی بر آن مالک بتواند هر گونه که می‌خواهد در آنها تصرف کند؛ بنابراین نقش انسان در عرصه استفاده از این منابع و تولید ثروت، نقش جانشینی است که باید تلاش کند مطابق با روح عمومی اصل مالکیت خداوند به استفاده از این منابع و تولید ثروت پردازد و امانت‌دار منویات مالک اصلی در تولید ثروت باشد. تحقق امر خلافت در دو مرحله انجام می‌شود:

۱-۱. خلافت عام

این مرحله عبارت است از جانشینی عموم مردم از جانب خداوند که موجب می‌شود جماعت انسانی به مثابه یک کل در مقابل مالک اصلی مسئول باشند. جماعت انسانی در عمل به این جانشینی دچار دو انحراف ظلم و کفران نعمت شده است. مراد از ظلم، توزیع ناعادلانه و ستمی است که برخی افراد جامعه نسبت به برخی دیگر روا می‌دارند و مراد از کفران نعمت، درنگ جامعه در بهره‌گیری از نیروها و نعمات خدادادی است (صدر، ۱۳۹۳ «الف»، ص ۵۰-۵۱).

جلوگیری از این دو انحراف، موجب ایجاد دو مسئولیت اساسی برای جماعت بشری می‌شود: یکی اجرای عدالت در توزیع ثروت است که به موجب آن، تصرفات جامعه در ثروت‌ها نباید با خلافت عمومی تعارض داشته باشد و دیگری اجرای عدالت در نگرهبانی و رشد ثروت است که راهش به کارگیری تمام نیروی جامعه در آبادانی زمین است (همان، ص ۵۲).

۲-۱. خلافت خاص

مرحله دوم، جانشینی فرد از سوی جامعه است. افرادی که مالک ثروت‌ها هستند، در برابر کل جامعه مسئولیت دارند؛ لذا نباید هیچ مالکیت خصوصی با اصل جانشینی‌اش در برابر جامعه تعارض پیدا کند و نوع تصرفات وی در اموال خود باید همراه با احساس مسئولیت نسبت به جامعه باشد. در

این صورت هیچ فردی نمی‌تواند مالکیت خصوصی‌اش را وسیله‌ای برای زیان‌رسانی به جامعه و تجاوز به حقوق دیگران قرار دهد و نماینده قانونی جامعه حق دارد که اگر راه دیگری در برابر این رفتار او وجود نداشته باشد، مالکیت خصوصی او را لغو کند (همان).

۲. اصل کار

طبق دیدگاه شهید صدر تمام منابع طبیعی ابتدائاً از آن خداوند متعال می‌باشد و به‌دست آوردن هر نوع حقی در استفاده از این منابع، از جمله مالکیت، مستلزم «کار» است؛ بنابراین هیچ‌کسی در سطح تشریعی و ابتدا به ساکن و بدون انجام کار دارای حقی اختصاصی در بهره‌برداری از منابع طبیعی نیست. حتماً باید کاری انجام شده باشد تا بتوان فرد را مستحق حقوق و استفاده‌هایی از منابع طبیعی دانست (همان، ص ۷۲). نوع کار ایجادکننده حق، بسته به ویژگی‌های ذاتی و طبیعی هر منبع متفاوت است؛ اما همه آنها از اصولی کلی پیروی می‌کنند. در ادامه، سه اصل کلی ناظر به کار توضیح داده شده است:

۱-۲. کار مستقیم

در نظریه توزیع منابع شهید صدر، «کار مستقیم» شرط تملک ثروت‌های طبیعی است. به همین دلیل احیای غیرمستقیم به روش سرمایه‌داری (با سپردن ابزار کار به کارگران و پرداخت دستمزد به آنان) حقی را ایجاد نمی‌کند و سرمایه‌دار که پرداخت‌کننده دستمزد است، نمی‌تواند ادعا کند در محصول تولیدشده حق دارد، آن‌گونه که در جوامع سرمایه‌داری چنین است (صدر، ۱۳۹۳ «الف»، ص ۶۲).

کار غیرمستقیم در منابع طبیعی به سه شکل می‌تواند به وقوع بپیوندد. رد یا تأیید مالکیت در هر یک از این حالات، آثار مهمی در طراحی قوانین و نهادهای ناظر به توزیع ثروت‌های طبیعی می‌تواند داشته باشد.

حالت اول: حیات‌گر توسط دیگری اجیر شده باشد. در اینجا عقد اجاره

صرفاً موجب می‌شود تا اجیرگیرنده مالک حیازت فرد اجیر باشد که یکی از کارهای اوست؛ زیرا در عقد اجاره، اجیرگیرنده مالک منفعت عین می‌شود. حال این عین گاهی یک خانه است و گاهی یک انسان است. منفعت عین در مورد انسان عبارت است از کاری که او انجام می‌دهد؛ بنابراین اجیرگیرنده فقط مالک کار حیازت‌گر می‌شود و نه خود ماده‌ای که حیازت شده است. اجیرگیرنده تنها در صورتی می‌تواند مالک خود مال نیز شود که پیش از عقد اجاره مالک آن بوده باشد، حال آنکه در مورد منابع طبیعی این حالت وجود ندارد. (صدر، ۱۳۹۳ «ج»، ص ۴۷۴-۴۷۵).

حالت دوم: حیازت‌گر وکیل فرد دیگری باشد. در این مورد نیز موکل نمی‌تواند مالک نتایج کار وکیل خود باشد؛ زیرا عقد وکالت در امور اعتباری مثل خرید و فروش صحیح است و در امور تکوینی مثل حیازت نمی‌توان از عقد وکالت استفاده کرد (همان، ص ۴۷۲-۴۷۳).

حالت سوم: حیازت‌گر نه وکیل باشد و نه اجیر. در این حالت فرد حیازت‌گر صرفاً نیت و قصد کرده است که حیازت را برای فرد دیگری انجام دهد. صرف وجود نیت می‌تواند عاملی باشد برای تملیک نتیجه کار حیازت‌گر توسط فردی که به نیت او و برای او کار حیازت انجام شده است (همان، ص ۴۷۱-۴۷۲).

شایان ذکر است اصل «کار مستقیم» در نظریه شهید صدر در مورد منابعی چون نفت و گاز در شرایط کنونی، به این معنا نیست که هر یک از افراد جامعه به طور مستقیم به بهره‌برداری از این منابع بپردازد؛ چراکه این کار در منابع امروزی عملاً ممکن نیست. در شرایط امروزی، لازم است حفاری‌های عمیقی جهت استخراج نفت و گاز صورت بگیرد که گاهی عمق آنها چندین هزار متر زیر زمین یا زیر دریاست؛ از طرفی فرایند حفاری نیاز به سرمایه‌های میلیون دلاری دارد. مشخص است که طبق کار مستقیم، حفاری‌های عمیق و تأمین سرمایه آنها ممکن نخواهد بود. به همین دلیل در

نظریه توزیع شهید صدر، دولت یا امام به عنوان زمامدار مردمی که به نحو مالکیت عمومی صاحب منابع نفت و گاز هستند، به اندازه امکانات مادی برای تولید و استخراج این منابع از آنها بهره‌برداری می‌کند و منافع آن را در خدمت مردم قرار می‌دهد (همان، ص ۱۵۳).

اصل «کار مستقیم»، به عنوان یک اصل مکتبی و ناظر به تمام منابع طبیعی، یک جنبه ایجابی و یک جنبه سلبی دارد. جنبه ایجابی آن این است که کار مستقیم شرط تملک ثروت‌های خام طبیعی است و جنبه سلبی آن این است که کار غیرمستقیم که تولید سرمایه‌دارانه یکی از اقسام آن است، نمی‌تواند مالکیتی برای فرد در ثروت‌های خام طبیعی ایجاد کند؛ به عبارت دیگر ذکر این اصل، در مورد منابعی چون نفت و گاز، جهت جلوگیری از تصرف و تولید سرمایه‌دارانه که در آن فرد به واسطه کار غیرمستقیم مالک حجم عظیمی از مواد استخراجی می‌شود، بوده است، نه اینکه جنبه ایجابی آن مد نظر باشد.

لازم است ذکر شود که اصل کار مستقیم در مورد کم و کیف استفاده از الگوهای هم‌چون تعاونی یا بخش خصوصی، با قید تحت اشراف دولت بودن و پرداخت مالیات، در بهره‌برداری از منابع نفت و گاز ساکت است و برای مشخص شدن ابعاد الگوهای از این دست، لازم است تتبع و تأمل بیشتری در اندیشه توزیع پیش از تولید شهید صدر صورت گیرد.

۲-۲. کار اقتصادی

کار فرد بر منابع طبیعی، برای ایجاد هر حقی، باید اقتصادی باشد نه خودکامانه. نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر میان دو دسته کار فرق می‌نهد. بهره‌وری و استفاده و دیگری انباشت و برداشت خودکامانه. بهره‌وری و استفاده دارای ماهیتی اقتصادی است؛ اما انباشت و برداشت خودکامانه بر اساس زور استوار است و بهره‌وری و استفاده مستقیم را تحقق نمی‌بخشد (همان، ص ۱۹۸). وجه ممیزه اصلی این دو نوع کار در شکل کار نیست،

بلکه در ماهیت استفاده یا انباشت است. با این توضیح بهره‌برداری از منابع و فروش مازاد تا زمانی که برای استفاده و نه انباشت و در جهت رفع نیاز باشد، مصداق زور نبوده و کار اقتصادی محسوب می‌گردد.

تمایز نهادن میان کارهای بهره‌ورانه با کارهای خودکامانه، در نظریه شهید صدر، بر اساس شکل کار استوار نیست؛ بلکه ممکن است یک شکل از کار، گاهی دارای ماهیت بهره‌وری و استفاده باشد و گاه دارای ویژگی انباشت و برداشت خودکامانه. این تابع ماهیت قلمروی است که کننده کار در آن به تلاش مشغول است و نیز از نوع ثروتی که در آن به کار می‌پردازد، تبعیت می‌کند. مثلاً در اختیارگرفتن یک چیز گرچه از لحاظ شکل کار، دارای یک نوع و گونه از عمل است؛ اما از دیدگاه این نظریه عام، از لحاظ نوع ثروتی که فرد آن را در اختیار می‌گیرد، تفاوت می‌یابد؛ زیرا حیات چوب از طریق گردآوری آن یا در اختیارگرفتن سنگ یا انتقال آن از صحرا، برای مثال، از مصادیق بهره‌وری و استفاده است؛ اما در اختیارگرفتن زمین و دست‌انداختن بر معدن یا منبع جوشنده آب، در زمره آن کارها به شمار نمی‌رود؛ بلکه از جلوه‌های به کارگرفتن زور و قدرت‌راندن بر دیگران است (همان، ص ۱۹۹ - ۲۰۰).

برای اثبات فرض کنید فردی تنها در یک جزیره زندگی می‌کند که سرشار از منابع طبیعی است. این فرد چون می‌داند کسی جز او در این جزیره زندگی نمی‌کند، هیچ انگیزه‌ای ندارد که دور یک زمین یا معدن یا دریاچه‌ای را حصار بکشد. چون این کار را غیر عقلانی، غیر اقتصادی و بیهوده می‌داند؛ اما همین فرد برای استفاده از زمین‌ها، معادن و آب‌ها مجبور است کارهایی را انجام دهد؛ باید به کشاورزی روی زمین پردازد؛ باید حفره‌ای ایجاد کند تا بتواند ماده‌ای از معدن استخراج کند و باید آب را در ظرفی جمع کند تا بتواند از آن در منزلگاهش استفاده کند. تمامی این کارها از نظر این فرد، کاری اقتصادی، مفید و لازم به شمار می‌روند که باید برای بهره‌وری و استفاده

از این منابع انجام داد. پس در حالی که هیچ مزاحم و مانعی در کار نیست، در اختیار گرفتن زمین و دیگر منابع طبیعی معنایی ندارد؛ بلکه در این حال، احیای آن زمین، تنها کاری است که فرد برای بهره‌وری از آن انجام می‌دهد (همان، ص ۲۰۰).

با این توضیحات، در اختیار گرفتن منابع طبیعی را می‌توانیم در شمار کارهای انباشت‌گرانه و قدرت‌ورزانه و در اختیار گرفتن ثروت‌های منقول را در شمار کارهای بهره‌ورانه و استفاده‌گرانه بدانیم (صدر، ۱۳۹۳ «ج»، ص ۲۰۱).

۳-۲. کار ایجادکننده فرصت جدید

در بین انواع کارهای اقتصادی و بهره‌ورانه که می‌توان بر یک منبع طبیعی مشخص انجام داد، همه آنها اثرات یکسانی در مورد حقوق اختصاصی تولیدشده ندارند؛ برای مثال اگر کسی روی زمینی که از قبل آماده کشت و کار است، بذری بپاشد و آن را آبیاری کند، مالک حقی اختصاصی نسبت به خود زمین نمی‌شود، بلکه مالک نتیجه کار خود که تولید محصول است می‌شود، اما اگر همین فرد زمینی بایر را که پیش از این قابل کشاورزی نبود، به یک زمین قابل کشاورزی تبدیل کند، نسبت به خود زمین دارای حقی اختصاصی و دارای اولویت می‌شود (صدر، ۱۳۹۳ «ج»، ص ۲۰۵-۲۰۴).

علت تفاوت بین این دو حالت، در نوع نتیجه‌ای است که کار فرد تولید می‌کند. در حالتی که زمین آباد است و فرد به استفاده از آن مشغول است، فرد کاری در جهت آماده‌شدن زمین نکرده است تا حقی در آن زمین برایش ایجاد شود؛ اما در حالت دوم فرد به احیای زمین بایر مبادرت ورزیده است و امکانات لازم برای کشاورزی در آن زمین را فراهم می‌کند. این احیا و این کار موجب می‌شود «فرصت» و زمینه بهره‌وری و استفاده از زمین ایجاد شود. نتیجه کار این فرد یک فرصت است؛ فرصتی که پیش از این وجود نداشته است؛ بنابراین منطقی است که وی مالک این فرصت هم باشد و نسبت به دیگران در مورد آن زمین اولویت استفاده و بهره‌برداری داشته باشد.

این اولویت تمام حقی است که وی در این زمین دارد. احیای یک معدن نیز به همین صورت است (همان، ص ۲۰۲-۲۰۶).

ارزیابی

حال که توضیحات مربوط به توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا و نظام توزیع پیش از تولید شهید صدر کامل شد، می‌توان به تحلیل و ارزیابی پرداخت. با بررسی سازوکار توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا می‌توان مؤلفه‌هایی را استخراج کرد که مبتنی بر نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر ایرادهای اساسی به هر یک از آنها وارد است. در ادامه سعی شده است این مؤلفه‌ها بیان و هر یک مبتنی بر دیدگاه شهید صدر تحلیل و بررسی شود.

۱. مالکیت خصوصی

مالکیت خصوصی بر اصل و رقبه معادن نفت و گاز در آمریکا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. اساساً یکی از نهادهای اساسی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی عوامل و نهادهای تولید است که در قالب آن، افراد حق دارند مالک دارایی‌ها و ثروت‌ها و ابزار و عوامل باشند (کوچک‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۰). مالکیت خصوصی در این مکتب قاعده‌ای است کلی که به قلمروهای گوناگون ثروت کشیده شده و جز در شرایطی خاص، در سایر موارد، خروج از قاعده امکان‌پذیر نیست. در جامعه سرمایه‌داری، قانون پشتیبان مالکیت خصوصی است و امکان محافظت از ثروت را برای مالک فراهم می‌کند.

برای بیان نظر شهید صدر در مورد مالکیت بر منابع نفت و گاز باید ابتدا نظر ایشان در مورد معادن بیان شود؛ چراکه منابع مذکور یکی از انواع معادن محسوب می‌گردند. ایشان در جمع‌بندی بحث معدن می‌گوید: «معادن - چه

از نوع ظاهری و چه از نوع باطنی - ۱ از مشترکات عمومی به شمار می‌آیند و تابع اصل مالکیت عمومی هستند و فرد اجازه ندارد که مالک ریشه‌ها و سرچشمه‌های نهفته آن در زمین گردد» (صدر، ۱۳۹۳ «ج»، ص ۱۶۵).

طبق نظام توزیع پیش از تولید شهید صدر هیچ یک از افراد نمی‌توانند مالکیت خصوصی «اصل» و «رقبه» معادن نفت و گاز را در اختیار بگیرند؛ زیرا اولاً طبق این دیدگاه، اصل مالکیت عمومی بر منابع نفت و گاز جاری است، نه مالکیت خصوصی و ثانیاً فرد هیچ نقشی در به وجود آمدن اصل و رقبه معادن نداشته و هیچ کاری در این جهت نکرده است و ثالثاً نوع کار صورت گرفته برای مالکیت منابع طبیعی باید اقتصادی و ایجادکننده فرصت جدید باشد، در حالی که تصرف یک فرد بر زمین و به تبع آن بر معدن زیر آن یک عمل اقتصادی محسوب نمی‌شود و از نوع اعمال زور و قدرت در آن منبع است و از طرفی فرد هیچ فرصت جدیدی هم در آن منبع به وجود نیاورده است؛ بنابراین هیچ حق خصوصی بر اصل معادن نفت و گاز برای هیچ شخصی پدید نمی‌آید. با این وصف تمام حقوقی که به دلیل مالکیت خصوصی رقبه معادن نفت و گاز، به مالک آنها یا شرکت‌های نفتی و گازی تعلق می‌گیرد، نفی می‌شود.

۲. تابعیت مالکیت معدن از زمین

مؤلفه بعدی در سازوکار توزیع و حقوق مالکیت منابع نفت و گاز در آمریکا، تابعیت مالکیت منابع نفت و گاز از مالکیت زمین محاذی آنهاست. بر فرض پذیرش اصل مالکیت خصوصی بر زمین، در نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر، هیچ دلیلی وجود ندارد که تابعیت مذکور پذیرفته شود تا از طریق پذیرش آن، مالکیت خصوصی بر معادن نفت و گاز زیر آن هم

۱. معادن باطنی، به عکس معادن ظاهری، به معادنی گفته می‌شود که برای نمایان شدن ویژگی‌های معدنی‌شان نیازمند کار و تلاش باشند. آهن از معادن باطنی و نمک از معادن ظاهری به شمار می‌آید (الصدر، ۱۴۲۴ ق، ص ۵۵۰-۵۴۹). در مورد ظاهری یا باطنی بودن نفت و گاز اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی چه این دو را از معادن باطنی به حساب آوریم و چه از معادن ظاهری، تفاوتی در نوع مالکیت آنها ایجاد نمی‌شود.

پذیرفته شود.

وجود معادن در زمین فرد معین، از لحاظ فقهی، علتی کافی برای آن نیست که وی را مالک آن بشماریم؛ چراکه رابطه اختصاصی فرد با زمین، فقط نتیجه یکی از دو علت است: اولاً احیا و ثانیاً داخل شدن زمین در قلمرو اسلام با مسلمان شدن دلخواهانه ساکنان آن سرزمین. احیا برای کسی که زمینی را آباد ساخته، حقی ایجاد می‌کند که به واسطه آن فرد مالکیت زمین را در اختیار می‌گیرد؛ اما هیچ دلیلی وجود ندارد که اثر این مالکیت بر معادن موجود در آن سرایت کند، بلکه طبق دلیل شرعی مربوط، اثرش بر همان زمین محدود می‌شود (همان).

اما در حالت دوم، دلیل شرعی برای مالکیت فرد بر زمینی که صاحبانش دلخواهانه اسلام آورده‌اند، این است که اسلام جان و مال افراد را پاس می‌دارد. پس هر که اسلام بیاورد، خونش محترم است و اموالی که پیش از مسلمان شدن دارا بوده، در امان است. این منطق درباره خود زمین صدق می‌کند؛ اما درباره معدن‌های نهفته در آن زمین صادق نیست؛ زیرا فردی که اسلام آورده، پیش از مسلمان شدن، مالک این معادن نبوده تا اکنون نیز همچنان مالک آن باشد. به دیگر سخن، اصل احترام جان و مال در نتیجه اسلام آوردن، مالکیتی جدید را تشریح نمی‌کند و فقط به سبب مسلمان شدن فرد، همان اموالی را که پیش‌تر وی در تملک داشته، برایش پاس می‌دارد. معدن در زمره آن اموال نیست تا همچنان با اسلام آوردن، در مالکیت وی باقی بماند؛ بلکه فقط زمینی که در اختیار داشته، به این ترتیب همچنان در تملک او می‌ماند و پس از مسلمان شدنش، مالک آن به شمار می‌آید و آن را از وی باز نمی‌ستانند. در شریعت هم بیانی یافت نمی‌شود که نشان دهد مالکیت زمین - چه در حالت احیا و چه در حالت اسلام آوردن - به ثروت‌های نهفته در آن نیز سرایت می‌یابد (همان، ص ۱۶۶).

۳. تولید سرمایه‌دارانه

مؤلفه سومی که با توجه به مطالب گفته‌شده در باب سازوکار مالکیت و توزیع منابع نفت و گاز در ایالات متحده می‌توان بیان کرد، این است که مالک معدن و شرکت نفتی و گازی، بنا به توافقی که طبق قراردادهای اجاره بین آنها منعقد می‌گردد، دست به تولید سرمایه‌دارانه و مبتنی بر سود بیشتر، در قلمرو منابع نفت و گاز می‌زنند. در این سازوکار، افرادی اندک مالکان زمین یا شرکت‌های نفتی و گازی، می‌توانند با به‌کارگیری ابزارهای مادی، اعم از سرمایه و نیروی کار، به استخراج از معادن نفت و گاز بپردازند و با پرداخت اجرت ابزارها و نیروی کار، مالک مقادیر بسیار فراوان مواد استخراجی از منابع نفت و گاز شده، در بازارهای به‌هم‌پیوسته جهانی فرصت بیشترین بهره‌وری‌ها را به دست بیاورند.

با نگاهی به دیدگاه شهید صدر می‌توان به تناقض آشکار فرایند فوق با نظریه توزیع پیش از تولید اسلامی پی برد. در این دیدگاه میزان برداشت از منابع طبیعی از جمله نفت و گاز باید تابع دو شرط باشد: اولاً مبتنی بر نیاز باشد؛ ثانیاً به اندازه تصرف و تولید مستقیم خود شخص باشد. دقت شود که منظور از شرط دوم، همان طور که در قسمت نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر گذشت، جنبه سلبی آن می‌باشد، نه جنبه ایجابی آن؛ چرا که جنبه ایجابی آن در منابع نفت و گاز امروزی منطقی‌اً امکان تحقق ندارد. در ادامه توضیحاتی در مورد دو شرط فوق بیان شده است.

نظریه شهید صدر، فرد را از مالکیت خصوصی منابع معدنی منع می‌کند و به او اجازه نمی‌دهد بیش از نیاز خود از آن استخراج نماید؛ در حالی که دیدگاه سرمایه‌داری اصل مالکیت خصوصی را می‌پذیرد و عرصه را برای فرد می‌گشاید تا منابع طبیعی ثروت معدنی را مالک گردد و به گونه سرمایه‌دارانه و با انگیزه کسب سود بیشتر - و نه مبتنی بر نیاز - از آنها استفاده نماید. پس در اسلام با اقتصادی مواجه هستیم که آزادی تملک منابع نفت را نمی‌پذیرد و

اجازه نمی‌دهد از آن منابع بیش از اندازه استفاده شود و یک فرد حق دیگران را در استفاده از آنها ضایع گرداند. از طرف دیگر این نظریه به فرد اجازه نمی‌دهد از ثروت‌های طبیعی و مواد خام، جز به اندازه‌ای که خود تصرف و تولید می‌کند، تملک نماید (همان، ص ۷۰-۷۱).

مکتب سرمایه‌داری به سرمایه‌دار اجازه می‌دهد به تولید سرمایه‌دارانه در قلمرو مواد خام طبیعی بپردازد؛ اما در نظریه شهید صدر این نوع تولید روا نیست؛ زیرا سرمایه‌دار از طریق به‌کارگرفتن اجیران برای استخراج معدن و نیز فراهم‌آوردن ابزارهای لازم برای آنان، به چیزی دست نمی‌یابد؛ چراکه این نظریه، همان‌طور که در اصل کار در نظریه توزیع گذشت، کار مستقیم را شرط تملک ثروت طبیعی می‌داند و فقط به کارگر حق مالکیت مواد معدنی را که استخراج کرده، عطا می‌کند. بدین سان تملک ثروت‌های خام طبیعی از طریق عمل کارگر اجیرشده را باطل می‌شمرد و تسلط سرمایه بر آن ثروت‌ها را که در سایه مکتب سرمایه‌داری و فقط به خاطر قدرت بر پرداخت دستمزد کارگران و فراهم‌کردن ابزارهای لازم آن به دست آورده، از میان می‌رود و به جای آن، تسلط انسان بر ثروت‌های طبیعی می‌نشیند (همان، ص ۲۶۰).

در روش تولید سرمایه‌دارانه، افرادی که مالک اصل منابع هستند، با برداشت بیش از نیاز خود موجب توزیع ناعادلانه منافع حاصل از این منابع شده، به حق دیگر افراد تجاوز می‌کنند. در حالی که باید این منابع و منافع حاصله بین همه افراد جامعه توزیع گردد نه اینکه در دست عده‌ای محدود محصور شده، اکثر مردم از حق خود محروم بمانند.

لازم است ذکر شود آنچه در این قسمت مطرح شد، به عنوان اصل اولی و در نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر جریان دارد و نافی دخالت دولت در بهره‌برداری از منابع نیست. دولت می‌تواند در سازوکار تولید و استخراج از منابع دخالت کرده و حتی مواردی مثل تولید سرمایه‌دارانه را مشروط به نظارت دولتی و پرداخت حقوق دولت و مردم مجاز اعلام کند. از آنجا که

در نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر، بحث کافی درباره میزان دخالت دولت در گستره توزیع پیش از تولید شکل نگرفته است، اظهار نظر در این مورد نیاز به دقت و تأمل بیشتری دارد.

۳. از بین رفتن فرصت بهره‌وری مردمی

نحوه توزیع و حقوق مالکیت منابع نفت و گاز در آمریکا، حق و فرصت اکثر مردم در بهره‌برداری از منابع نفت و گاز را از بین برده، آن را در دست عده‌ای محدود محصور می‌کند؛ به عبارت دیگر در این نظام، منابع نفت و گاز و منافع حاصل از آن، در دست عده‌ای توانگر که به هر دلیلی، به منابع نفت و گاز دسترسی پیدا کرده‌اند، محصور شده و دیگرانی که به این منابع دسترسی پیدا نکرده‌اند، سهم مالکیتی بر این منابع و منافع حاصله ندارند. به همین دلیل در این رقابت نابرابر، فاصله طبقاتی توانگران، به علت دسترسی به منابع عمومی، روز به روز افزون از دیگران می‌شود.

این در حالی است که در نظریه توزیع پیش از تولید شهید صدر «هر گاه فردی زمینی را برای کشف معدن بکاود و به آن دست یابد، فرد دیگر هم حق دارد از همان معدن استفاده کند، بدین شرط که مزاحم وی نباشد؛ مثلاً می‌تواند در جای دیگر از همان معدن به کاوش پردازد و به مواد معدنی دلخواه خود دست یابد» (همان، ص ۱۹۵).

همان طور که در مؤلفه اول گذشت، مادام که معدن در جایگاه طبیعی خود باشد، هیچ فردی نمی‌تواند مالک اصل و رقبه آن گردد و کارگری که به کندوکاو در آن می‌پردازد، اگرچه مالکیتی در اصل معدن پیدا نمی‌کند، ولی در آن اولویت دارد و از دیگران برای بهره‌وری از معدن و کار در آن سزاوارتر است و این حق اولویت زاینده خلق فرصتی است که بهره‌وری از آن منبع را برایش فراهم آورده است. او این حق را از طریق عملیات کندوکاوی که در آن معدن و برای دست‌یابی به مواد معدنی انجام داده، به دست آورده است. پس حق دارد مانع دیگران شود که در حفره او و در محدوده‌ای که مزاحم

کار وی باشد، به عملیات مشغول شوند. هیچ فرد دیگری نیز حق ندارد آن حفره را برای دستیابی به مواد معدنی به کار گیرد، به گونه‌ای که مزاحم صاحب آن شود، البته تا زمانی که فرد اول به بهره‌وری از معدن ادامه داده و کارهای بهره‌ورانه و استفاده‌گرانه را استمداد بخشد؛ اما این فرد نمی‌تواند مانع دیگران در بهره‌برداری از سایر قسمت‌های معدن شود و هر استفاده‌ای که با حق وی در بهره‌وری از آن تعارض نداشته باشد، برای دیگران هم مجاز است.

شاید در نگاه اولیه استخراج چند نفر از قسمت‌های مختلف به منبع نفتی غیرممکن و بدون مصداق به نظر برسد، ولی تجربه استخراج نفت در آمریکا که در قسمت ابتدایی مقاله مورد اشاره قرار گرفت، گویای آن است که بخشی از اختلافات بین مالکان منابع نفتی که در نهایت منجر به وضع قوانین موضوعه راجع به صیانت از منابع نفت و گاز شده‌اند، اتفاقاً در مواقعی رخ داده است که دو یا چند مالک به طور همزمان مشغول برداشت از یک منبع بوده‌اند.

بنابراین معیار عمومی برای مجازبودن یا نبودن بهره‌وری فرد دوم از منبع طبیعی که فرد اول آن را احیا نموده و فرصت استفاده را در آن فراهم ساخته، میزان تأثیر این استفاده بر آن فرصتی است که فرد اول با احیای منبع طبیعی، آن را خلق کرده است (همان، ص ۲۰۸).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش رو، بعد از تبیین سازوکار توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا و نظریه توزیع پیش از تولید منابع در دیدگاه شهید صدر، چهار مؤلفه استخراج و مبتنی بر نظام توزیع پیش از تولید شهید صدر بررسی و ارزیابی گردید. در سازوکار توزیع و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در آمریکا اولاً اصل «مالکیت خصوصی» بر رقبه منابع نفت و گاز حاکم است

که چون از یک طرف با اصل «مالکیت عمومی بر معادن» در نظام توزیع شهید صدر در تضاد قرار می‌گیرد و از طرف دیگر بر اصل «کار اقتصادی» بنا نشده است، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. ثانیاً «تابعیت مالکیت منابع از مالکیت زمین محاذی آن» برقرار است که در نظام توزیع مذکور هیچ دلیل منطقی و فقهی بر این تابعیت یافت نشد. ثالثاً «تولید سرمایه‌دارانه» در منابع انجام می‌گیرد که نه مبتنی بر اصل «کار مستقیم» است، نه مبتنی بر اصل «برداشت در حد نیاز» و نه از اصل «خلافت و مسئولیت عام» تبعیت می‌کند. رابعاً «فرصت بهره‌وری مردمی» از منابع نفت و گاز از بین می‌رود؛ در حالی که مبتنی بر اصل «مالکیت عمومی بر معادن» در نظام توزیع شهید صدر، همه مردم در بهره‌وری از منابع شریک‌اند. این شیوه توزیع و حقوق مالکیت که مورد ارزیابی قرار گرفت، نه تنها موجب برقراری عدالت اقتصادی و بهره‌وری همگانی از منابع نفت و گاز نمی‌شود، بلکه ظلمی که در این شیوه در حق دیگرانی که بهره‌ای از منابع نفت و گاز نمی‌برند، صورت می‌گیرد و مبتنی نبودنش بر اصل «کار»، آن را به یکی از ناعادلانه‌ترین شیوه‌های توزیع تبدیل کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- اصغریان، مجتبی (۱۳۹۱). حقوق نفت و گاز در ایالات متحده آمریکا (قراردادهای اجاره نفت و گاز. چ ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
- امانی، مسعود، و اسماعیلی، محسن (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی مالکیت نفت و گاز در نظام‌های ملی و حقوق بین‌الملل. حقوق تطبیقی، ۸ (۱).
- الصدر، السید محمدباقر (۱۴۲۴). اقتصادنا. ط ۱، مرکز البحوث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- خادم‌رضوی، قاسم، و راستگو خیای، پوریا (۱۳۹۹). رابطه مالکیت خصوصی بر منابع نفتی در فقه امامیه و حقوق آمریکا. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۴۴.
- شافع، میرشهبیز (۱۳۸۸). مالکیت خصوصی بر منابع نفت و گاز در حقوق ایالات متحد آمریکا. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۶.
- شمشیری، بابک، و فریدونی، زهرا (۱۳۹۳). مفهوم خود از دیدگاه روان‌شناسی انسان‌گرا و عرفان اسلامی با تأکید بر روش تطبیقی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۴ (۱۶).
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۵). حقوق نفت و گاز. تهران: نشر میزان.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳ «الف»). اسلام راهبر زندگی؛ مکتب اسلام؛ رسالت ما. ترجمه مهدی زندیه، چ ۱، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر).
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳ «ب»). اقتصاد ما (کتاب اول). ترجمه سید محمد مهدی برهانی، چ ۱، چ ۱، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر).
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳ «ج»). اقتصاد ما (کتاب دوم). ترجمه سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، ج ۲، چ ۱، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر).
- طاهری لسکو کلایه، نیلوفر، و جمعه‌زاده بهابادی، خلیل (۱۳۹۵). نظام حقوقی حاکم بر مالکیت منابع نفتی ایران و ایالات متحده آمریکا. کنگره بین‌المللی جامع حقوق ایران.
- کوچک‌زاده، میثم (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی کتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری (کلاسیک). اقتصاد تطبیقی، ۱ (۱).
- مداحی‌نسب، مصطفی، و مسلمی، یوسف (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی حیات و احیای اراضی موات با قاعده تصرف در نظام حقوقی عرفی ایالات متحده آمریکا. مطالعات حقوق انرژی، ۱ (۱).
- نجات‌بخش اصفهانی، علی، و باقری، اکبر (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی روش‌شناسی تحقیق در مدیریت اسلامی در مقایسه با روش‌شناسی‌های تحقیق در علوم مدیریت رایج. پژوهش‌های اسلامی، ۳ (۵).

Blinn, Keith W. (1986). *International Petroleum Exploration and Exploitation Agreements*. New York: Barrows Company.

Johnston, Jason S. (2005). *The Rule of Capture and the Economic Dynamics*

of Natural Resource Use and Survival under Open Access Management Regimes. *Environmental Law*, 35, 855- 898.

Kramer, Bruce M. & Anderson, Owen L. (2005). The Rule of Capture-An Oil and Gas Perspective. *Environmental Law*. 35 (4).

Lowe, John s. (2003). *Oil and gas law in a nutshell*. 4th Ed, St. Paul, MN: Thomson /West.

Pierce, David E. (2015). Developing a Correlative Rights Doctrine to Accommodate Development of Oil and Gas in Arkansas. *Arkansas Law Review*. 68.

Strong, Sidney J. (1967). Application of the Doctrine of Correlative Rights by the State Conservation Agency in the Absence of Exproation Agency in the Absence of Express Statut ess Statutory. *Montana Law Review*, 28 (2).

Tomain, Joseph P. (1984). The Rule of Capture: Government and the Oil Industry. *Faculty Articles and Other Publications*, 250.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی